



چالش‌های نظام آموزشی ایران در حال و آینده

ناهید حسینی*

مقدمه

بررسی اجمالی عملکرد چهل ساله جمهوری اسلامی در نظام آموزشی در ایران، دست آوردها و چالش‌های حاصله از آن هدف اولیه این نوشته است. در بخش دوم سه موضوع به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد: بهبود وضعیت معیشتی آموزگاران، توسعه و تجهیز مدارس و برنامه کلان و کوتاه مدت آموزشی برای آینده کشور.

گسترش و تکمیل پیروزی انقلاب اسلامی بهمن ماه ۱۳۵۷، باعث تغییرات جدی در سیستم آموزشی ایران گردیده و اصول شریعت اسلامی را بر نهادهای آموزشی کشور مسلط ساخت، به‌طوری‌که هم وقت بیشتری به آموزش مسایل دینی در مدارس اختصاص یافت و هم بودجه‌های کلانی صرف تغییر محتوای کتب درسی، باز آموزی و تربیت نسل جدید آموزگاران گردید. حال پرسش این است که حکومت در امر اسلامی کردن نظام آموزشی کشور تا

چه میزان موفق بوده و وضع کنونی در مقایسه با انتظارات و استانداردهای جهانی چگونه است. چالش‌های نظام آموزشی ایران در چهار دهه گذشته (۱۳۹۷-۱۳۵۷) به طور کلی شامل چه مسایلی بوده و ویژگی‌های آموزشی هر یک از این چهار دهه مورد نظر چه تغییراتی را در ساختار آموزشی بوجود آورده است. متد پژوهش در پاسخ به این پرسش‌ها، تحلیلی است مبتنی بر منابع مختلف و داده‌های مرکز ملی آمار ایران و گفت‌وگو با کارشناسان آموزشی و در انتها، راهبردهای آموزشی معینی برای برون رفت از وضع موجود طرح شده است که می‌تواند به عنوان یک استراتژی پایه‌ای برای آینده سیستم آموزشی ایران مورد استفاده قرار بگیرد. در بخش اول گزارش مختصر آماری از وضعیت دانش آموزان و دانشجویان، تعداد مدارس و دانشگاه‌های کشور داده میشود و در ادامه محتوا و مضمون آموزشی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جمعیت ایران و تعداد دانش آموزان و دانشجویان

جمعیت ایران بر طبق مرکز آمار در سال ۱۳۹۶، بیش از ۸۱ میلیون نفر مرکب از ۵۱٪ مرد و ۴۹٪ زن میباشد. از کل جمعیت کشور ۲۴٪ در گروه سنی صفر تا ۱۴ ساله، ۶۹،۹٪ در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ ساله یعنی سن فعالیت و کار و ۶،۱٪ در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر قرار دارند. (۱)

تعداد دانش آموزان کشور ۱۴ میلیون نفر در سال ۱۳۹۷ بوده که در بیش از ۹۱ هزار مدرسه مشغول تحصیل اند. بنابر آمارهای جهانی، میزان باسوادی در ایران ۸۷٪ بوده و ۱۳٪ از جمعیت کشور بی‌سواد هستند. استان‌های تهران، مازندران، البرز، سمنان و اصفهان با ۹۷٪ باسوادی در صدر استان‌های باسواد کشور و سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و کردستان به ترتیب در رده‌های پایین باسوادی قرار دارند. (۲)

بنا به آخرین گزارش موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، ۲۵۶۹ دانشگاه و نهادهای آموزشی دولتی و غیر دولتی در کشور وجود دارد که از این میان تعداد ۵۳۰ واحد سهم دانشگاه آزاد، ۳۰۹ موسسه



غیر انتفاعی، ۱۷۰ مرکز فنی حرفه ای، ۴۶۶ مرکز پیام نور، ۹۵۳ واحد علمی کاربردی و ۱۴۱ دانشگاه دولتی در ۳۱ استان کشور ثبت شده است. بر اساس آمار موسسه فوق، حدود ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار دانشجو در دانشگاه‌های کشور تحصیل می‌کنند، از این تعداد حدود ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار زن و بیش از ۲ میلیون دانشجو مرد هستند. حدود ۱ میلیون و نیم در دانشگاه آزاد و ۶۸۰ هزار در دانشگاه دولتی، نیم میلیون در پیام نور و بقیه در موسسات آموزشی دیگر به تحصیل مشغول هستند. (۳)

با توجه به داده‌های ذکر شده، ایران کشوری است دارای جمعیتی جوان و تحصیلکرده، و ۵۰٪ از جمعیت ایران زیر ۳۰ سال سن دارند. برای اینکه عملکرد آموزشی حکومت مورد بررسی دقیقتری قرار بگیرد، لازم است بنیم اهداف آموزش و پرورش در کشورهای توسعه یافته چیست

آموزش و پرورش نوین

دولت‌هایی که با اتکا به دستاوردهای تجربی و علمی به دنبال حفظ آهنگ توسعه کشور خود و یا ارتقای آن هستند، کار خود را ابتدا از نهاد آموزش شروع کرده و می‌کوشند ذهن و روان نو نهالان و جوانان خود را با طرح سوال و سپس آموزش پاسخ یابی به آن از طرق علمی، پرورش دهند و بتدریج آنان را برای ورود به دنیای واقعی همبستگی، همکاری و رقابت در عرصه های گوناگون زندگی از جمله اقتصاد و تکنولوژی آماده کنند. دنیای علم، دنیای تحرک بی وقفه و پویایی می باشد که با ایستایی ذهنی همخوانی ندارد. در پرتو پیشرفت‌های بزرگ علمی و انقلاب در تکنولوژی‌های اطلاعاتی و خصوصا با ابداع و ورود اینترنت به عرصه آموزش و پرورش در گوشه و کنار جهان، مفهوم و معنای پیشین معلمی و شاگردی، متد تدریس و محتوای درسی دستخوش دگرگونی‌های بنیادی شده است. امروزه دیگر مدرسه، کلاس درس و معلم متکلم الوحده، مترادف صرف آموزشگاه و محل یادگیری نیست. اینترنت و درس آنلاین و رسانه‌ها ابعاد جدیدی از فرصت‌های آموزشی را برای کلیه گروه‌های اجتماعی سنی و جنسی خلق کرده اند که قبلا حتی طرح آنها در نزد بسیاری خیالپردازی محض تلقی می‌شدند. امروزه انقلاب اطلاعاتی، مرزهای

ملی را در هم ریخته و شیوه‌های سنتی آموزشی را بیش از پیش کهنه ساخته است و اگر اصول آموزشی بر پایه آموزش و یادگیری مدرن پایه‌گذاری نشوند، عقب ماندن از روند رشد و نو شدن برنامه‌های آموزشی اجتناب ناپذیر خواهد بود. لذا پرداختن به سیستم آموزش و پرورش در ایران و بازسازی آن باید در چهارچوب تحولات نوین آموزشی در جهان صورت گیرد. ابتدا ضروری است که نگاهی به مختصات اصلی آموزش و پرورش در ایران بیندازیم تا ببینیم آیا وضع حاضر با معیارهای آموزش نوین جهانی، منجمله سند ۲۰۳۰ یونسکو همخوانی دارد؟

بعد از به قدرت رسیدن روحانیت در سال ۱۳۵۷، مسولین جدید با طرح این که اکثریت جمعیت ایران مسلمان معتقد به شیعه اثنی عشری هستند، در صدد اسلامی کردن آموزش و پرورش کشور بر آمدند.

اسلامی کردن نظام آموزشی در ایران

دهه اول انقلاب، دوران برپایی نظام آموزشی جدید بود. اجباری شدن حجاب، افزایش ساعات تعلیمات دینی و قرآن، پاکسازی ده‌ها هزار معلم و کارمند، انطباق متون کتب درسی با شریعت اسلام، برقراری جشن تکلیف دختران در ۹ سالگی درکلاس سوم ابتدایی، که با کادو و چادر آغاز می‌شد تا به آنها بگویند که دیگر بزرگ شده و آماده ازدواج هستند، اجباری کردن رنگ‌های تیره برای یونیفورم مدرسه، تفکیک جنسیتی، گزینش معلمین مکتبی بدون تجربه و مدرک آموزگاری، حلقه‌های به هم پیوسته برنامه آموزش و پرورش نوین اسلامی بودند. انقلاب فرهنگی ۱۳۵۹ با بستن دانشگاه‌ها و پاکسازی دانشجویان و استادان دگراندیش، نظام آموزشی را به کلی دگرگون ساخت. تاثیرجنگ هشت ساله در محیط آموزشی با وارد کردن مفاهیم شهادت و جهاد، آموزش نظامی کودکان در مدارس و بردن کودکان زیر ۱۵ سال به جبهه، بخشی دیگر از برنامه آموزشی حکومت بود.

اعزام معلمین امور پرورشی و تربیتی به مدارس که در اصل برای شستشوی مغزی دانش آموزان با دگم‌های مذهبی انجام می‌شد، اقدام دیگری در این مسیر بود که تاثیر منفی شدیدی در جامعه آموزشی و محیط خانوادگی



برجای گذاشت. مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۶ قانون "اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش" را تصویب کرد که یک برنامه سیاسی-ایدئولوژیک بر اساس نظریه‌های دینی شیعه برای تربیت نسل جوان بود. در این سند، آموزش دینی و تزکیه دانش آموزان بر تعلیم اولویت داده شد. همه تصمیمات بعدی آموزش و پرورش بر اساس این سند که نقش قانون اساسی آموزشی را ایفا میکرد، گرفته شده است. (۵،۶)

گرچه اعزاز معلمین پرورشی به مدارس با روی کار آمدن دولت محمد خاتمی در دهه دوم انقلاب اسلامی رها گردید و اندکی از فشارها کاسته شد ولی تغییرات نتوانستند تا عمق گسترش یابند و روال پیشین با قدرت بیشتر در زمان محمود احمدی نژاد، به مدارس بازگشت. در این مقطع جنسیت زدگی کتابهای درسی آشکارتر شد و مطالب علمی که با آموزش‌های اسلامی همخوانی نداشتند حذف شدند. لطمه محمود احمدی نژاد به آموزش و پرورش کشور در دهه سوم انقلاب اسلامی بی سابقه بود. به یک بیان، مرحله اول انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ با تعطیلی سه ساله دانشگاه‌ها و تصفیه وسیع استادان و دانشجویان دگر اندیش همراه شد و مرحله دوم انقلاب فرهنگی در زمان احمدی نژاد محقق شد که منجر به پادگانی کردن فضای دانشگاه‌ها و پاکسازی جدیدی از افراد دانشگاهی شد و پدیده دانشجویان ستاره دار یکی از اقدامات او در آن دوره بود.

در سال ۱۳۹۰ سند تحول بنیادین تصویب شد که تکمیل سند ایدئولوژیکی سال ۱۳۶۶ بشمار می‌رود. (۷) با توجه به اینکه اساس سند تحول بنیادین، قالب ریزی هویت دانش آموزان بر بنیاد اسلامی بود، اقدامات مخرب فراوانی برای پیاده کردن اصول آن در مدارس و دانشگاه‌ها انجام گرفت. تبعیض جنسیتی، قومی و مذهبی اساس این سند را تشکیل می‌داد و بهمین دلیل در تضاد عمیقی با سند ۲۰۳۰ یونسکو قرارداداشت. (۸)

سند ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار با تعیین ۱۷ هدف، رهبران جهان را موظف می‌کند که به فقر و خشونت پایان دهند و راه صلح، عدالت و رفاه برای مردم را در پیش بگیرند. آموزش همگانی، توانمندی زنان، حفظ محیط زیست و محترم شمردن تنوع فرهنگی از اهداف مهم این سند می باشد. به طور مثال

در هدف پنجم به برابری جنسیتی و آموزش حقوق شهروندی تاکید دارد و هدف دهم، بر رفع هر گونه نابرابری و تبعیض در جامعه قرار گرفته است. یکی دیگر از مسایل اساسی سند، سکولار بودن آموزش است که در تقابل با آموزه‌های دینی و سیاسی در مدارس قرار دارد. گرچه سند ۲۰۳۰ توسط دولت ایران امضا شده بود ولی با مخالفت شدید آقای خامنه ای از دستور کار خارج شد و سند تحول بنیادین جایگزین آن شد. (۹)

در واقع می‌توان ادعا کرد که تغییر دولت‌ها تاثیر چندانی در حوزه سیاست آموزشی نداشته بلکه هر کدام با تفاوت اندکی از دیگری، همان اهداف اولیه برنامه آموزشی را حفظ کرده اند. (۱۰)

نادیده گرفتن نیازهای قومی، زبانی و مذهبی دیگر مردمان ایران، از برنامه‌های مضر آموزشی بود و بخصوص طرح‌های جنسیتی دوره احمدی نژاد، مثل سهمیه بندی جنسیتی و ممنوعیت تحصیلی دختران از ۷۷ موضوع درسی، موانع زیادی بر سر راه ورود دختران به دانشگاه‌ها ایجاد کرد. در حالیکه در سال ۱۳۸۷ نسبت دختران دانشجو به حدود ۶۵٪ کل افزایش یافته بود، با اجرای سهمیه بندی جنسیتی، سهمیه بندی محلی و تفکیک جنسیتی، در سال ۱۳۸۹ این نسبت به زیر ۵۰٪ تنزل نمود، به گونه ای که تعداد دانشجویان پسر در طول چند ساله اخیر از شمار دختران پیشی گرفته و یا در بعضی دانشگاه‌ها مساوی شده است. (۱۱)

اما این نکته را باید خاطر نشان کرد که در سال‌های اولیه انقلاب، به علت حاکم شدن شرایط اسلامی در مدارس، خانواده‌های بیشتری ترغیب شدند که دختران خود را به مدرسه بفرستند و در نتیجه تعداد دختر و پسر در مرحله آموزش ابتدایی مساوی شده است. طبق گزارش "ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران" (۱۲) در مرحله ابتدایی عدالت جنسیتی برای دختران رخ داده ولی در دوره راهنمایی و متوسطه، عدالت جنسیتی بنفع پسران چرخش پیدا کرده است.

گرچه اخیرا یونسکو معنی جدیدی از با سوادی اعلام کرده است که دیگر فقط خواندن و نوشتن نمی تواند معیار آن باشد، بلکه تعریف اخیر بیانگر اینست که با سواد کسی است که بتواند از خواننده ها و آموخته‌های خود



تغییری در زندگی خود ایجاد کند و توانایی استفاده از کامپیوتر و مهارت ارتباط گیری موثر را داشته باشد. (۱۳) اما اگر ما با همان تعریف قدیمی یونسکو به میزان جمعیت با سواد در کشورمان توجه کنیم، شاید یکی از دلایل رشد با سواد در کشور حضور مساوی دختران با پسران در مدارس ابتدایی بعد از انقلاب اسلامی باشد.

سیستم آموزشی ایران شاهد تحولات زیادی بوده است و می‌توان در یک جمع‌بندی کلی گفت که اساس این تحولات بر محور شیعی گری، تمامیت خواهی اسلامی و برای تربیت امتی مطیع و بی حقوق پایه ریزی شده است. آموزشی که یادگیری را از بالا، با دیدی آمرانه توصیه می‌کند و با نادیده گرفتن حقوق شهروندی و حق انتخاب فردی، سدی در مقابل استقلال فکری و تصمیم گیری دانش آموزان شده است. گذشته از مسایل ذکر شده، خصوصاً سازی عرصه آموزشی یکی دیگر از تغییرات چشمگیری بوده است که منجر به فشار مالی بر خانواده ها و همینطور بی توجهی مسئولین به کیفیت آموزش می باشد که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود.

خصوصی سازی آموزش و پرورش

یکی از تغییرات مخربی که در امر آموزش و پرورش کشور صورت گرفته خصوصی سازی امر آموزش در کلیه نهادهای آموزشی است، به طوری که یکی از نگرانی‌های خانواده ها در آغاز سال تحصیلی، پرداخت شهریه و دیگر هزینه‌های آموزشی فرزندان می‌باشد. با اضافه کردن تبصره‌های مختلف به قوانین آموزش رایگان، آموزش دولتی را به آموزش پولی تبدیل کرده اند. بنابر اصل ۳ و ۳۰ قانون اساسی، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را برای همه تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و همینطور امکان تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد.^[۱]

ولی تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۶۱، دیگر موسسات غیرانتفاعی در سال ۱۳۶۴، تاسیس دانشگاه پیام نور در سال ۱۳۶۷ شمسی و همینطور

1- <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/133613>

مدارس غیر انتفاعی که بودجه آن از طرف مردم تامین می‌شود، بیانگر نقض اصول قانون اساسی و تبدیل آموزش به یک نهاد تجاری برای کسب در آمد شده است. با توجه به بودجه ناکافی مدارس و عدم رسیدگی به وضعیت آموزگاران، هر سال وضعیت آموزشی بدتر شده و کیفیت آموزشی نیز سیر نزولی یافته است. (۱۴)

یکی دیگر از نکات قابل بررسی در امور آموزش عالی، رشد بی رویه دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی در کشور است که مورد انتقاد کارشناسان آموزشی قرار گرفته است. شکی نیست که دانشگاه‌ها در رشد و توسعه هر جامعه ای می‌توانند نقش کلیدی ایفا کنند، اما گسترش کمی دانشگاه‌ها بدون بازدهی مناسب و عدم توانایی بازار کار در جذب فارغ التحصیلان، می‌تواند تأثیرات منفی از خود باقی بگذارد. با توجه به تفاوت زیاد میان دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی، چنین بنظر می‌رسد که تأسیس دانشگاه‌های غیر دولتی بیشتر با هدف تجاری درست شده باشند.

ایران در زمره لیست ۱۰ کشوری است که در دنیا دارای بیشترین تعداد دانشگاه می باشد، اما در مقایسه با کشورهایی که دارای جمعیت مشابه هستند، ایران از نظر تعداد دانشگاهها در راس آنها قرار می‌گیرد. در ترکیه با جمعیت بیش از ۷۹ میلیون نفر فقط ۲۰۰ دانشگاه وجود دارد و آلمان با جمعیت ۸۱ میلیونی دارای ۴۱۲ دانشگاه و مصر با جمعیت ۹۱ میلیونی فقط ۷۷ دانشگاه دولتی و خصوصی دارد. ایران با جمعیت بیش از ۸۱ میلیون نفر دارای ۲۵۶۹ دانشگاه‌های دولتی و خصوصی است، در حالیکه چین با جمعیت بیش از یک میلیاردی، فقط دارای ۲۳۱۰ دانشگاه می باشد. بعلاوه آن، فقط دو دانشگاه ایران در رتبه بندی جهانی دانشگاه‌های کیو.اس^[۲] قرار دارد. پایین بودن کیفیت و تولید ۵۰٪ بیکاری در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی، این سوال مهم را ایجاد می‌کند که دولت چه اصراری در گسترش کمی دانشگاه‌ها دارد؟ (۳،۴)

نکته قابل توجه اینست که با وجود اینهمه دانشگاه در ایران، فرار مغرها یکی از معضلات اجتماعی کشور ماست و تعداد قابل توجهی هر ساله برای



ادامه تحصیل به کشورهای دیگری مهاجرت می‌کنند.

بحث و نتیجه گیری

جمهوری اسلامی با دینی کردن آموزش، آسیب بزرگی به کیفیت علمی و استقلال نهادهای آموزشی کشور وارد کرده و استانداردهای آموزشی بین‌المللی را با مضامین ایدئولوژیک جایگزین نموده است. در نتیجه رقابت جوانان برای خلافت در داخل و رقابت در خارج با افتی جدی روبرو شده و گریز جوانان از تحصیل و فرار مغزها به خارج از کشور را سبب شده است. میزان بیکاری جوانان فارغ التحصیل گواه آشکاری بر بیحاصلی آموزش‌های دانشگاهی آنان است. جوانان، آینده روشنی در درون کشور برای خود نمی‌بینند، بخصوص از نبود محیط امن، آزاد و سالم رنج می‌برند و به ناچار به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند. مسئله بزرگ دیگر، مشکلات معیشتی آموزگاران است که آنان را مجبور به انجام شغل‌های دوم کرده و فرصت تمرکز بر انجام بهینه وظایف آموزشی را از آنان سلب می‌کند. خانواده‌ها نیز نسبت به کیفیت آموزشی و فرهنگ دوگانه خانه و مدرسه معترض بوده و نگران آینده فرزندان خود هستند.

مقصد بسیاری از حکومت‌گران، گرچه محدود کردن دختران در چهار دیواری خانه‌ها بود، ولی برنامه پرورش نسل زنان مسلمان نوین یعنی زنانی که غیر از کدبانوگری، مسولیت اجتماعی نیز می‌توانند داشته باشند، دو نتیجه مثبت را در پی داشت. برای اولین بار در تاریخ آموزشی ما، تعداد دختران و پسران در دوران ابتدایی در دهه اول بعد از انقلاب اسلامی مساوی شد که موجب بالا بردن تعداد با سوادان در ایران گردید. نتیجه دوم، استفاده هوشیارانه دختران از فرصت ایجاد شده، برای تسخیر بیشتر صندلی‌های دانشگاهی بود. گرچه این دستاورد، هرگز مورد حمایت مسئولین قرار نگرفت و در زمان محمود احمدی‌نژاد با ایجاد موانع سنگینی برای کاهش ورود دختران به دانشگاه‌ها روبرو شده و در زمان حسن روحانی نیز تلاشی جدی برای رفع موانع، به عمل نیامده است.

یکی دیگر از نکات شاخص سال‌های اخیر، موفقیت چشمگیر دانش‌آموزان

ایرانی در مسابقات ریاضی جهانی بوده است، که نشان‌دهنده توجه مسولین به آموزش ریاضیات در سطوح مختلف تحصیلی است. اما در کل، آموزش و پرورش ایران به یک نهاد تجاری تبدیل شده که نتیجه آن تنزل کیفیت آموزشی برای رشد دانش و مهارت دانش‌آموختگانی است که باید در عرصه ملی و بین‌المللی به رقابت شغلی بپردازند.

از منظر جامعه‌شناسی نیز می‌توان ادعا کرد که علیرغم اشکالات جدی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی؛ همگانی شدن آموزش در سطوح مختلف و بالا بودن تعداد دختران تحصیل‌کرده در کشور، منجر به تشکیل یک سرمایه اجتماعی شده است که بر خلاف خواسته حاکمان، قادر است در تغییرات اجتماعی ایران نقش قابل توجهی ایفا کند.

برنامه کلی آموزشی

رسیدن به آموزش و پرورش مستقل، تاثیر گذار، فراگیر و پیوسته در کشور تنها بر مبنای زیر قابل تصور است:

۱- سیستم آموزشی بخصوص در دوران ابتدایی نیاز به تغییرات ساختاری بنیانی دارد، مستقل کردن سیستم آموزشی از دین و سیاست، قدم نخست و اساسی است تا ذهن پرسشگر و پویا در دانش‌آموزان پا گرفته و فضایی آزاد برای پرسشگری و پاسخ‌جویی آفریده شود.

۲- طراحی متد تربیت آموزگاران آموزش ابتدایی بر مبنای شرایط نوین آموزشی و معیارهای بین‌المللی و جلوگیری از ورود افراد غیر مسئول به این عرصه.

۳- آموزش حقوق شهروندی در دبیرستان‌ها

۴- ایجاد محیط آموزشی سالم، شاد و بری از هر گونه تبعیض جنسیتی.

۵- رفع تفکیک جنسیتی در تمام سطوح آموزشی و ایجاد محیط آموزشی برابر برای کل دانش‌آموزان

۶- تدوین متون درسی بر اساس اصول علمی و بدون سانسور در سطح دبستان‌ها و دبیرستان‌ها، ایجاد آزمایشگاه و کارگاه برای آموزش تجربی به‌جای



- حفظیات غیر ضرور. استفاده از تکنولوژی جدید در تمام سطوح. گسترش دو نوع سیستم آموزشی برای کسانی که می‌خواهند دانشگاه بروند و کسانی که می‌خواهند مهارتی کسب کرده و زودتر وارد بازار کار شوند
- ۷- گسترش دانشگاه‌های دولتی و در کنار آن، ایجاد دانشگاه آنلاین برای افراد بزرگسال و بالا بردن سطح کیفی آموزش به‌جای مدرک گرایی و استفاده سودجویانه از دانشگاه‌های غیر دولتی. اساس آموزش در دانشگاه‌ها باید بر تفکر انتقادی و تحقیق استوار شود
- ۸- حق آزاد انتخاب رشته توسط دانش آموزان بدون اعمال هر گونه سهمیه بندی و تفتیش عقاید و ایجاد محیطی آزاد برای فعالیت‌های گوناگون دانشجویان در محیط دانشگاه و امکان اشتغال بعد از تحصیلات دانشگاهی
- ۹- تحصیلات اجباری تا سن ۱۶ سالگی
- ۱۰- کاهش دوران سربازی برای جوانان

با توجه به استراتژی بنیادگرایی دینی و تحمیل خواست‌های سیاسی بر سیستم آموزشی کشور، ترویج مبانی فوق و کوشش برای تبدیل آنها به خواست عمومی می‌تواند خدمتی در خور به آینده آموزش فرزندان این کشور باشد و اساس طرح یک استراتژی آموزشی در کشورمان قرار بگیرد. اما برنامه کوتاه مدت آموزشی می‌تواند تلاش برای ریشه کن کردن بیسوادی باشد. در هر شرایطی این سوال اساسی به‌جای خود باقیست که چرا کشور ما دارای یک جمعیت ۱۰ میلیونی بیسواد می‌باشد در حالیکه بعضی از کشورهای منطقه مثل قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان توانسته اند نسبتاً بیسوادی را در کشور خود ریشه کن کنند و این سوال مهم ایجاد می‌شود چرا حکومت جمهوری اسلامی در طول ۴۰ سال گذشته، نتوانسته است برنامه منسجمی برای مبارزه با بیسوادی در کشورمان داشته باشد؟ (۱۵)

بخش دوم:

در بخش دوم سه موضوع به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد: بهبود وضعیت معیشتی آموزگاران، توسعه و تجهیز مدارس و برنامه کلان و کوتاه

مدت آموزشی برای آینده.

۱- توجه به وضعیت معیشتی آموزگاران

وزارت آموزش و پرورش با ۱۴ میلیون دانش آموز و یک میلیون و ۷۰۰ هزار معلم و کارمند شاغل و بازنشسته، یکی از وزارتخانه‌های پر جمعیت کشور محسوب می‌شود که از دو مشکل اساسی رنج می‌برد: ناکارآمدی و سوء مدیریت در سیستم آموزشی، و کمبود بودجه، به طوری که ۹۸٪ از کل بودجه آن فقط صرف هزینه‌های پرسنلی شده، و دولت بودجه بسیار کمی را برای ارتقاء سطح کیفی آموزشی و بازسازی مدارس اختصاص می‌دهد. (۱۶)

از آنجاییکه نیروی انسانی بنیان آموزش و پرورش را در هر جامعه‌ای شکل می‌دهد و آموزگاران نقش برجسته‌ای را در آموزش و تربیت کودکان و جوانان بر عهده دارند، باید مطالبات آنان نیز مورد توجه درخور دولت قرار بگیرد. (۱۷)

در این راستا توجه به نکات زیر در هر شرایطی چه امروز و چه فردا ضروری است:

- تامین بودجه مناسب برای بهبود سطح معیشت آموزگاران
- به رسمیت شناختن کانون صنفی معلمان و تضمین قانونی فعالیت آن
- ایجاد کودکستان برای فرزندان شاغلین آموزش و پرورش
- رسیدگی به مطالبات بازنشستگان آموزش و پرورش

۲- سازمان‌نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس

در حال حاضر سازمان‌نوسازی و توسعه مدارس به عنوان بخشی از وزارت آموزش و پرورش وجود دارد، و وظیفه عمده آن، برنامه ریزی برای توسعه و ترمیم کلاس‌های درسی و همین‌طور نظارت بر اجرای ساختمانهای مدارس و تجهیز آنها می‌باشد. یکی از وظایف اساسی این سازمان تامین سامانه گرمایش و سرمایشی مدارس با اولویت مدارس روستاها و همچنین تامین تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی در سطح مدارس کشور بوده است.

سایت رسمی وزارت آموزش و پرورش در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۹ گزارشی در



این زمینه ارایه داد که طبق بند ۳-۹ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۲، مبلغ ۲۰۰۰ میلیارد ریال جهت تامین استانداردهای سیستم گرمایشی مدارس اختصاص یافت و طبق این گزارش تا سال ۱۳۹۶ تعداد ۱۶۹۹۳۴ کلاس مجهز به سیستم گرمایشی شده است. اما طبق همین گزارش هنوز هم ۱۵۰۰۰۰ کلاس دیگر نیازمند سیستم گرمایشی هستند. یعنی در واقع فقط کمی بیش از نیمی از کلاس‌های آموزشی مجهز به سیستم گرمایشی شده است.

در طول چند سال گذشته ما شاهد چندین مورد آتش سوزی با بخاری نفتی در مدارس بوده ایم، از آن جمله مدرسه درودزن، مدرسه شین آباد و مدرسه ابتدایی در سیستان و بلوچستان که منجر به کشته و مجروح شدن ده‌ها دانش آموز گردید.

کشور ما نه تنها به بازسازی مدارس نیاز دارد بلکه باید مسئله زلزله خیزی آن را نیز در نظر داشت، و ساختمان مدارس را بر اساس استاندارد حداقلی مقاومت ۶ ریشتری بنا نمود. در ضمن مدارس ایران در هر سطحی با کمبود تجهیزات لازم آزمایشگاهی و وسایل کارگاهی روبرو است. باید گفت که مسئله نوسازی مدارس نیاز به بودجه کلان دولتی داشته و طراحی و اجرای یک پروژه کامل میان مدت را می‌طلبد، که جا دارد به عنوان یک موضوع جداگانه بعداً به آن پرداخته شود

۳- طرح اولیه برنامه های کلان آموزشی و برنامه کوتاه مدت برای

آینده

برنامه کلان آموزشی:

- تدوین قانون تغییر ساختار نظام آموزشی بر اساس بیانیه حقوق بشر و سند ۲۰۳۰ یونسکو، با رعایت ضروریات و نیازهای مناطق مختلف کشور
- تغییر محتویات کتب درسی بر اساس نظام نوین آموزش جهانی
- افزایش بودجه آموزش و پرورش
- توجه اکید به نیازهای معیشتی آموزگاران و تامین یک مبنای حقوقی عادلانه برای آنان
- به روز کردن روش و مضامین کارمراکز تربیت معلم و توجه ویژه به

- آموزش معلمان دوره دبستان
- افزایش ساعات آموزش در همه سطوح آموزشی
- لغو خصوصی‌سازی و ارائه آموزش رایگان کیفی به همه دانش‌آموزان
- برنامه ریزی موثر برای مبارزه با بیسوادی در سطح کشور
- برنامه کوتاه مدت آموزشی (ابتدایی و متوسطه):
- به روز کردن نمودار سازمانی وزارت آموزش و پرورش و حذف مراکز غیر ضرور آن
- حفظ کتب درسی بطور موقت و حذف دروس غیر ضروری
- حذف فعالیت های مذهبی و سیاسی در مدارس
- داشتن یونیفرم آموزشی همراه با حجاب اختیاری
- تصویب قوانین ایمنی و تامین بودجه برای اجرای قاطعانه آن درآموزشگاه‌ها

منابع

- (۱) جمعیت ایران از مرز ۸۱ میلیون نفر گذشت. ۱۳۹۶/۱۲/۲۳، خبرگزاری ایرنا <http://www.irna.ir/fa/News/82862861>
- (۲) آمار دانش‌آموزان ایران در سال تحصیلی ۹۷-۹۸، Utiran.com، مجموعه آموزشی یوتیران، مهر ۱۳۹۷
- (۳) دانشگاه‌های ایران به روایت آمار و ارقام، سرویس علمی و دانشگاهی، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۹ خرداد ۱۳۹۷
- (۴) ۱۰ کشور جهان که بیشترین دانشگاه را دارند، سرویس علمی و دانشگاهی، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۹ خرداد ۱۳۹۷
- (۵) جهانیان، رمضان (۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل سیاست‌های توسعه‌های آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر. تغییر بنیادی سیاست‌های نظام آموزش و پرورش (ص ۱۰۰).
- (۶) شورای عالی وزارت آموزش و پرورش، کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۸، (ص ۴۳).
- (۷) جزییات سند بنیادین آموزش و پرورش منتشر شد. خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰
- (۸) دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار. سند سازمان ملل، مترجم: مهرناز پیروز نیک. https://cdn.asriran.com/files/fa/news/1396/2015/3/4/704110_622.pdf
- (۹) <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000247785> UNESCO moving forward the 2030 Agenda for Sustainable Development
- (۱۰) ساعی، علی و همکاران (۱۳۹۱)، دولت و سیاست آموزش در ایران از سال ۱۳۶۰-۱۳۸۸، فصلنامه علوم



اجتماعی شماره ۵۶، دوره ۱۹، بهار ۱۳۹۱، صفحات ۱۱۷-۱۶۶

http://qjss.atu.ac.ir/article_895.html

(۱۱) حسینی، ناهید (۲۰۱۹). تحصیلات عالی، جنسیت و تغییرات اجتماعی (۱۹۷۹-۲۰۱۷)، انتشارات ساتراپ، لندن. فصل دوم، ص ۳۵-۴۸

(۱۲) آتشک، محمد (۱۳۹۱)، ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱: ۱۵۱-۱

(13) UNESCO. "Education for All: A Global Monitoring Report" (PDF). UNESCO. UNESCO-CO. p. 150

(۱۴) روشنایی، نسیم (۱۳۹۷)، خصوصی سازی دانشگاهها، در خدمت سوادگیری و سرکوب.

<https://www.radiozaman.com/421050>

(۱۵) ایران ۱۰ میلیون بی‌سواد مطلق دارد، عصر ایران، ۱۳۹۴

(۱۶) دویچه وله فارسی، کسری ادامه بودجه آموزش و پرورش و دغدغه های فرهنگیان، ۲۰۱۹/۰۵/۰۶

<https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-48624983>

(۱۷) عبدی، عباس (۲۰۱۹) در صندوق ذخیره فرهنگیان چه میگذرد؟ کانون صنفی معلمان، تاریخ انتشار

در ۱۱ ژانویه - <http://biel.dinfo/tag/%D%A9%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86-%D8%B5%D9%86%D9%81%DB%8C-%D9%85%D8%B9%D9%84%D9%85%D8%A7/%D9%86>

* دکتر ناهید حسینی پژوهشگر مسایل زنان و آموزش در ایران می باشد، او مقیم لندن است، دو کتاب به زبان انگلیسی و مقالات متعددی از او به زبان‌های انگلیسی، فارسی و کردی در رسانه‌های مختلف به چاپ رسیده است.